

«زنگه‌زور» و آینده ژئوپلیتیکی ایران

نگاه غرب به زنگه‌زور نیز بیش از آنکه تجاری باشد دارای جنبه‌های ژئوپلیتیکی است تا بتواند با سرایت دادن ناتو به قفقاز و آسیای‌میانه قدرت‌های شرقی را تضعیف و کنترل کند.



به گزارش آران نیوز، کریدور زنگه زور که آذربایجان با هدایت ترکیه، رژیم صهیونیستی و در سطح کلان تر ناتو، به دنبال ایجاد آن است به دلیل طول کوتاه ۴۱ کیلومتری اش چندان توسط چین و روسیه جدی گرفته نشده است. پکن و مسکو باید نسبت به خطرات دست پایین ارزیابی شده این کریدور، با توضیحات ایران که از فاصله نزدیک با این پدیده مواجه است، در این خصوص بازنگری کرده و مواضع عملی محکمی در برابر آن اتخاذ کنند.

کریدور ادعایی زنگه زور قرار است از جنوب خاک ارمنستان، مماس بر مرزهای ایران میان سرزمین اصلی آذربایجان و جمهوری خودمختار «نخجوان» که تحت کنترل باکو است، کشیده شود. با شکل گیری این کریدور که آذربایجان و ترکیه اصرار دارند باید تحت کنترل آنها باشد، ترکیه با مسیری زمینی به آذربایجان متصل شده و سپس از طریق دریای خزر آزادانه به آسیای میانه راه خواهد یافت. با تسلط خارجی بر کریدور زنگه زور، ارمنستان مرزهای تاریخی خود با ایران را که همواره به سمت ملت ارمنی گشوده بوده، مسدود دیده و شاهد محاصره کامل خود از سوی رقبای دشمنانش خواهد بود. در جریان جنگ قره باغ، از میان چهار کشور همسایه ارمنستان این تنها ایران بود که به دشمنی علیه این کشور دست نزد درحال که آذربایجان، ترکیه و گرجستان در یک ائتلاف قرار داشتند. روسیه با التهاب در قفقاز و مباحث مرتبط با زنگه زور می تواند حضور خود در ارمنستان را افزایش داده و پیوندهای تضعیف شده خود با این کشور را که در دامان غربگرایان قرار گرفته، تقویت کند. نگاه غرب به زنگه زور نیز بیش از آنکه تجاری باشد دارای جنبه های ژئوپلیتیکی است تا بتواند با سرایت دادن ناتو به قفقاز و آسیای میانه قدرت های شرقی را تضعیف و کنترل کند.

زنگه زور اما برای ایران وضعیتی منحصربه فرد دارد. اگر تمامی طرف ها می توانند در یک سناریوی خوشبینانه اندک منفعتی برای خود در این کریدور ببینند، تهران هیچ کورسویی از فایده در آن نمی بیند. زنگه زور وزن ایران را در رقابت کریدورها کاهش می دهد، مسیر تاریخی ایران به اروپا را مسدود ساخته و با تشدید پان ترکیسم پای ناتو را بیشتر به مرزهای این کشور باز می کند. زنگه زور برای آذربایجان و ترکیه صرفا سود است بدون زیان. برای چین و روسیه می تواند منفععی داشته باشد و البته زیان هایی نیز می تواند متوجه آنان سازد که تاکنون از سوی این دو کشور کم برآورد شده است. ایران اما نه تنها سودی نمی برد بلکه صرفا با زیان های سنگینی روبه رو می شود که در نگاه اولیه هم قابل درک هستند.

دعوای موجود میان آذربایجان-ترکیه با اتحادیه اروپا-ارمنستان یک جنگ تماما زرگری و کاذب نیست اما تحت مدیریت آمریکا بوده و این قضیه در نهایت با کاهش بازگیری شرق، سطح بازی را به یک موضوع داخلی در میان ناتو و غرب مبدل می سازد. اتحادیه اروپا با حضور در ارمنستان نه به دنبال بستن زنگه زور بلکه کاهش بازگیری ایران و روسیه است و در نهایت مصالحه ای صورت می گیرد تا جاده تحت کنترل اتحادیه اروپا-ارمنستان باقی بماند بدون آنکه ایران-روسیه یا آذربایجان-ترکیه بر آن مشرف باشند.

روس ها به زنگه زور به عنوان کانال تنفس تجاری نیز نگاه می کنند؛ بدون آنکه این نکته را در نظر گیرند که درحال آفرینش اوکراین دوم برای خود هستند. روسیه به دلیل سابقه هیمنه دست کم بیش از ۲۰۰ ساله خود بر قفقاز، ضعف دولت های این منطقه و همچنین روابط نسبی خوب ترکیه و رژیم صهیونیستی بر این عقیده است که هر فعالیتی از سوی این دو ذیل توان روسیه قرار خواهد داشت اما فراموش کرده اند تل آویو و آنکارا فرزندان غرب هستند که در عین دشمنی پدرشان با غرب کمی دوستانه تر با مسکو رفتار می کنند.

مسکو در زنگه زور درحال ارتکاب اشتباهی است که گورباچف در عقب نشینی از اروپای شرقی مرتکب شد. او فکر می کرد با عقب نشینی، دولت ها اندکی تغییر خواهند کرد تا شوروی نیز بدون فشار غرب راحت تر ادامه حیات دهد اما نمی دانست موج ایجادشده، مرز نمی شناسد. با فروپاشی دیوار برلین، موج ایجادشده تنها به اروپای شرقی محدود نماند و به داخل مرزهای شوروی نیز سرایت کرد تا این امپراطوری را فرو بپاشاند.

منبع: آناج